

((شایعه اعطای کاپیتولاسیون به مستشاران آمریکا))

بهبانه ای برای مخالفت با پادشاه فقید

روح الله خمینی در روز چهارم آبانماه سال ۱۳۴۳ خورشیدی سالروز تولد محمدرضاشاه پهلوی؛ که تصادفاً آن سال مصادف بود با بیستم جمادی الثانی ۱۳۸۴؛ یعنی بامیلاد فاطمه زهرا مطابقت داشت؛ سخنرانی مغرضانه خود را در رقم در مورد قانونی که وی به غلط آنرا کاپیتولاسیون نام نهاده بود؛ ایراد کرد.

«لازم به یادآوریست که در آن زمان هنوز روح الله خمینی این ادعا را نکرده بود که روز بیستم جمادی الثانی سالروز تولد خود من نیز میباشد.»

از زمانی که رژیم جمهوری اسلامی در ایران مستقر شده است؛ همه ساله با فرارسیدن ماه آبان «سالروز سخنرانی وی که روز سیزدهمش با سالروز بازداشت و تبعید او به ترکیه؛ بعثت همان سخنرانی نیز مصادف میباشد» رسانه های گروهی رژیم ملایان یکبار دیگر راجع به این قانون با همان عنوان کذب و خلاف واقع سخن بمیان میاورند و از آن با هوچیگری و هیاهو (بنام یکی از خیانتهای بزرگ محمدرضاشاه پهلوی نام میبرند).

باتوجه باین مراتب و بیاناتی از سوی مدعیان روشنفکری که کاملاً "خلاف واقع و مطالبی پرازسفسطه و مغلطه؛ نظیر روح الله خمینی رامبنی بر اینکه رژیم سابق بموجب قانون مصوب مزبور؛ مصونیت هاومزایای مربوط به کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا داده شده بود؛ این نویسنده را بر آن داشت که مطلبی برای آگاهی عموم وبویژه جوانان کشورم تهیه و واقیتهای مربوط به این امر را به آگاهی برسانم.

تاریخچه کلی از آغاز روابط سیاسی و نظامی ایران با آمریکا

اولین پیمان برای برقراری روابط سیاسی بین ایران و امریکابه نام پیمان دوستی و تجاری در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ (۲۲ آذر ۱۲۳۵) در قسطنطنیه؛ بین فرخ خان غفاری؛ ملقب به امین الملک ایلچی سفیر کبیر ایران در فرانسه و کارول مسیتس؛ وزیر مختار آمریکای شمالی در دربار عثمانی منعقد گردیده است.

بموجب ماده دوم این پیمان دولت آمریکا از حقوق مربوط به کشورهای کامله الوداد برخوردار شده که منظور از این اصطلاح همان مقررات «کاپیتولاسیون» بوده است.

با اینکه این پیمان در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۸۵۷ (۲۸ بهمن ماه ۱۲۳۵) به توشیح ناصرالدین شاه رسیده و از نظر ایران لازم الاجرا گردیده بود؛ ولی دولت آمریکا تا نزدیک به ۲۶ سال بعد در مورد برقراری روابط با ایران اقدامی بعمل نیاورده است.

در تاریخ ۵ اوت ۱۸۸۲ (۱۴ مرداد ۱۲۶۱) کنگره آمریکا قانون تاسیس سفارت در تهران رایه تصویب رسانید و چند ماه بعد در ژانویه سال ۱۸۸۳ (دی ماه ۱۲۶۱) نخستین سفیر آمریکادر ایران تعیین و به تهران اعزام گردید.

اولین وزیر مختار ایران در آمریکا تیز حسینقلی خان صدرالسلطنه؛ پسر چهارم میرزا آقاخان نوری؛ بوده که در ژوئن سال ۱۸۸۸ (تیرماه ۱۲۶۷) به این سمت منصوب و بآن کشور روانه شده است. چون این شخص در سال قبل از این انتصاب به حج رفته بود؛ در زمان عزیمت به محل مأموریت خود؛ از طرف ناصرالدین شاه به لقب (حاجی واشنگتن) ملقب گردیده است. ظاهراً ورود وی به واشنگتن با اولین عید قربان بعد از حاجی شدن مصادف بوده؛ که بعنوان اولین اقدام خود در آمریکا؛ با اجرای مراسم قربانی گوسفند در محل سفارتخانه دست زده است.

از آن تاریخ تا زمانی که سلطنت به خاندان پهلوی منتقل گردیده است؛ به دوفقره ماجرای جنجال برانگیز در مورد استخدام دوهینت مستشاری از امریکابر میخوریم؛ که اولی به ریاست مورگان شوستر ۱۹۱۱ میلادی (۲۹۰ شمسی) و دومی به ریاست آرتور میلیسپود ۱۹۲۲ میلادی (۳۰۱ شمسی) بوده است.

هرچند که استخدام هیئت دوم بعد از کودتای ۱۲۹۹ انجام شده؛ و تا نزدیک دو سال بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه ادامه داشته است؛ ولی در طول سلطنت این پادشاه هیچ مستشار آمریکایی برای ایران استخدام نشده است.

در زمان سلطنت محمدرضاشاه اولین مستشاران آمریکایی که بایران دعوت شدند هیئتی بریاست همان آرتور میلیسپو بود. لایحه استخدام این شخص در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ (۲۱ آبان ۱۳۲۱) در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. ولی بعد از دو سال بعثت اختلافاتی که با دولت ایران پیدا کرده بود؛ مستعفی گردید و استعفايش در تاریخ فوریه ۱۹۴۵ (۱۹ بهمن ۱۳۲۳) از طرف مجلس شورای ملی مورد قبول قرار گرفت. ترتیب استخدام آرتور میلیسپو و هیئت مستشاران زیر نظر او هر دو بار (چه در دوران احمدشاه قاجار و چه در زمان محمدرضاشاه پهلوی) هنگامی داده شده که میرزا احمد قوام؛ قوام السلطنه بعنوان نخست وزیر خدمت میکرده است.

حسن ارسنجانی در یادداشت‌های سیاسی خود در این رابطه چنین نوشته است.

قوام السلطنه عقیده داشت که آمریکا هیچگونه خطر استعماری برای ایران ندارد؛ زیرا میان ایران و آمریکا اقیانوس ها فاصله است. در حالیکه انگلیس و روسیه برای بلعیدن ما دهان باز کرده اند؛ امکان ندارد که دولت ثالثی از جمله آمریکا بتواند ایران را تحت سلطه خود درآورد.

در دوره دوم زمامداری خود بعد از شهریور ۱۳۲۰؛ در سال ۱۳۲۱ از نوبه فکر جلب سیاست آمریکا افتاد؛ و موافقت کرد در دوره اشغال نظامی ایران از طرف شوروی و انگلیس؛ ارتش آمریکا به ایران بیاید.

او در دوره چهارم زمامداری خود در سال ۱۳۲۴ همین سیاست را تعقیب کرد و برای تحقق برنامه هفت ساله؛ از کارشناسان آمریکایی دعوت نمود؛ و سعی داشت که با استقراض از بانک بین المللی؛ برنامه هفت ساله خود را در مرحله اجرا عمل درآورد؛ ولی عمر دولت او کفاف نداد. (زندگی سیاسی قوام السلطنه؛ تالیف جعفر مهدی نیا)

یکبار دیگر قوام السلطنه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ (۶ بهمن ۱۳۲۴) به نخست وزیری انتخاب گردید. او در این دوره از صادرات خود؛ که ایادی روسیه آذربایجان را بصورت خود مختار درآورده بودند؛ موجبات تخلیه ایران را از نیروهای بیگانه و بی‌اگر داندن آذربایجان را بایران فراهم ساخت.

در ۲۶ مهر ماه ۱۳۲۶ گفتگوهای قوام السلطنه به نتیجه رسید و دولت با انعقاد پیمان محرمانه نظامی با آمریکا؛ به مستشاران نظامی آن کشور حق انحصاری دخالت در ارتش ایران را داد. رادیو لندن خبر انعقاد قرارداد محرمانه نظامی ایران و آمریکا را منتشر کرد؛ سفارت شوروی دست به اعتراض زد؛ دولت قوام تکذیب کرد؛ اما انگلیسی ها از آرشیو ثبت قراردادهای سازمان ملل؛ قرارداد را به صفحات روزنامه ها کشاندند. چنین بود که شرایط برای سقوط دولت قوام آماده شد.

در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه ۱۳۲۶) بدستور قوام السلطنه نخست وزیر وقت؛ بین محمود جم که وزارت جنگ را بعهده داشته؛ بنمایندگی از طرف دولت ایران و ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا به امضاء رسیده است. (این قرارداد در صفحات ۶۴ تا ۷۰ جلد دوم کتاب اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول؛ منتشره توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ تحت عنوان سند شماره ۲۰ درج شده است) ماده ۲۴- تامدتی که این قرارداد؛ یا تمديد آن معتبر است؛ دولت ایران هیچگونه مامورین خارجی دیگر را برای انجام هیچگونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود. مگر با توافق نظر مشترک مابین دولتین کشورهای آمریکا و ایران.

بموجب ماده ۱۱ قرارداد؛ اعضای هیئت مستشاران نظامی در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت در ارتش ایران معاف گردند در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت با آمریکا را خواهند داشت.

بموجب سند مندرج در صفحه ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا مربوط به سال ۱۹۴۷ میلادی؛ در همان روزی که قرارداد اعزام افسران و سربازان جدید آمریکایی بین ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا در ایران؛ و محمود جم وزیر جنگ ایران به امضاء رسیده است؛ این دو نفر قرارداد استخدام مستشاران سابق رانیز در همان تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه ۱۳۲۶) مفاد جدید را تمدید کرده اند.

بطوریکه ملاحظه میشود؛ قبل از آنکه محمدرضا شاه پهلوی در حکم وزنه سنگین؛ در ترازی سیاست ایران جلوه گر شود؛ در زمان نخست وزیری قوام السلطنه که بیش از هر نخست وزیر دیگری نسبت به شاه بی اعتنائی میکرده است؛ پای مستشاران آمریکایی به ایران باز شده؛ و آنان از هر نوع مصونیت و مزایایی برخوردار شده بودند.

بموجب همان سند مندرج در صفحه ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا و نیز بموجب مواد ۲ و ۳ قرارداد مورد بحث؛ قرار بود که این قرارداد تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ میلادی (۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۷) به قوه خود باقی باشد؛ و دولت ایران در صورت تمایل به تمدید آن میبایست پیشنهاد خود را کتبا "قبل از تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ میلادی (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) به دولت آمریکا تسلیم نماید و دولت آمریکانی موظف بود که قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷) اقدام نماید.

اعلام تمایل ایران به تمدید قرارداد قبل از تاریخ (۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۷) در زمان نخست وزیری عبدالحسین هژیر و توسط سپهبد امیر احمدی انجام شده است.

عبدالحسین هژیر از نظر دولت انگلستان؛ یکی از بد سابقه ترین افراد بود؛ زیرا که وی در کابینه قوام السلطنه (همان کابینه ای که قرارداد استخدام مستشاران آمریکایی را منعقد ساخت) وزارت دارائی را بعهده داشت. از سوی دیگر عبدالحسین هژیر راجع با استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب در صدد اجرای تنظیم لایحه ای مشتمل بر ۲۵ مورد از تخلفات اساسی و غیر قابل انکار شرکت نفت ایران و انگلیس از مفاد قرارداد ۱۹۳۳؛ از آن شرکت درخواست کرده بود؛ که نمایندگان خود را برای مذاکره در مورد تخلفات در اجرای قانون مصوبه به ایران اعزام دارد.

با این ترتیب چون مسلم بود که وی در این دوره از نخست وزیری؛ با پشتیبانی شاه به اقدامات سابق خود در جهت طرفداری از آمریکا و مخالفت با انگلیس ادامه خواهد داد؛ و از جمله استیفای حقوق تصبیح شده ملت ایران از نفت جنوب را تعقیب خواهد کرد؛ همچنین تمایل دولت ایران به تمدید استفاده از مستشاران آمریکایی را اعلام خواهد کرد؛ بنابراین جای هیچگونه تعجب نیست؛ از همان روزی که مجلس شورایی به وی ابراز تمایل نمود؛ انگلو اسلامیت ها و سایر انگلو فیلها تمام ایادی خود را در تمام جبهه هابر علیه او بسیج کنند.

ساعت ۱۱ صبح روزی که عبدالحسین هژیر در کاخ منتظر فرمان صدارت بود؛ جمع کثیری از طبقات مردم و مخصوصاً دانشجویان دانشکده حقوق و فنی؛ با صفوف منظم در میدان بهارستان جمع شدند و ضمن ملاقات با نمایندگان؛ اعتراض خود را نسبت به تمایل مجلس به نخست وزیری هژیر بیان نمودند. کسبه و اصناف با صلاح دید و راهنمایی آیت الله کاشانی مغازه های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند؛ و ضمن ایراد سخن نمایندگان مجلس رابه باندنا ساز گرفتند... بدستور دولت و رئیس مجلس؛ پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد. تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهر کننده نیز با چوب و چماق به پلیس حمله کردند.

روز چهارم نخست وزیری هژیر؛ چند هزار بازاری و روحانی در حالیکه قرآن بر سر داشتند؛ به رهبری سید مجتبی نواب صفوی؛ رئیس فدائیان اسلام؛ در میدان بهارستان علیه هژیریه تظاهرات پرداختند و اعلامیه شدید الحن آیت الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم تهران پخش شد.

هنگامیکه هژیر وزیران خود را به مجلس شورایی معرفی میکرد؛ دلرژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود و صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی دین در فضای تالار علنی مجلس طنین انداز گردید.

در همین جلسه حسین مکی؛ ابوالحسن حائری زاده؛ عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زد و خورد های چند روز گذشته علیه او اعلام جرم کردند.

(نخست وزیر ایران از مشیرالدوله تابختیار- دکتر باقر عاقلی؛ صفحه ۵/۲۴۸) عبدالحسین هژیر در مقابل جوی که مخالفین برای او درست کرده بودند؛ با وجود اکثریت آراء؛ پس از پنج ماه در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۸ (۵ آبان ماه ۱۳۲۷) از کارکناره گیری کرد.

مؤعد بعدی برای درخواست تمدید قرارداد مورد بحث قبل از شهریور ۱۳۳۱ و زمان مقرر برای امضای تمدید آن ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۳۱ (۲۰ ماه مارس ۱۹۵۳) بود که این هردو اقدام را نخست وزیر وقت؛ یعنی دکتر محمد مصدق بدون سروصدا با انجام رسانده است.

شرح کوتاهی در ارتباط با مطلب مورد بحث

همانطوریکه دیدیم؛ دولت امریکاپس از آنکه به تبعیت دولتهای روس و انگلیس در اشغال ایران شرکت نمود (در اواخر جنگ جهانی دوم). چند فقره؛ قرارداد دوجانبه و محرمانه با دولت ایران منعقد ساخت. بموجب این قراردادها که آخرین آن در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه ۱۳۲۶) در کابینه قوام السلطنه توسط وزیر جنگ این کابینه و سفیر کبیر امریکا با مضار رسید؛ به مستشاران و کارکنان هیئتهای نظامی امریکادر ایران انواع مصونیتها و امتیازات داده شد.

دولتهائیکه عاقد قراردادهای محرمانه در مورد همکاری نظامی با امریکابوده اند استتار آنها را به صلاح دولت و ملت دانسته و به استناد قسمت آخر اصل ۲۴ قانون اساسی مشروطیت (ذیلاً" برای اطلاع این قانون درج میگردد) از انتشار آنها و درخواست طرح و تصویبشان در مجلس شورایی خودداری کرده بودند:

اصل ۲۴- قانون اساسی مشروطیت- بستن عهدنامه ها و مقاله نامه ها؛ اعطای امتیازات (انحصار) تجاری و صنعتی و فلاحی و غیره؛ اعم از اینکه طرف داخله باشد و یا خارجه؛ باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد؛ به استثنای عهدنامه هائیکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد. ولی چون استتار قراردادها بموجب اصل ۲۴ مزبور به بهانه صلاح دولت و ملت نمیتوانسته است ابدی باشد؛ لذا اصل ۵۲ متمم قانون اساسی مشروطیت بشرح زیر تکلیف این قبیل قراردادها را روشن کرده است.

اصل ۵۲- متمم قانون اساسی مشروطیت - عهدنامه هائیکه مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی مورخ چهاردهم ذیقعد یک هزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد؛ پس از رفع محذور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورایی و سنا اظهار شود.

همچنانکه قبلاً" نیز اشاره شد؛ محمدرضا شاه پهلوی در آغاز سلطنت خود تا چندین سال نفوذی در کابینه های وقت و در تعیین سیاست و اداره امور کشور نداشت؛ و در اعطای مصونیت قضائی نامحدوده مستشاران امریکائی؛ دارای دخالتی موثر و تعیین کننده نبوده است.

با تنظیم و تصویب کنوانسیون مربوط به روابط سیاسی بین دولتها؛ توسط سازمان ملل متحد در وین؛ که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (۲۹ فروردین ۱۳۴۰) به امضای نماینده ایران نیز رسیده بود؛ بهانه خوبی بدست شاه و دولت ایران افتاد که در جهت تعدیل مصونیتهای اعطائی به مستشاران نظامی با مقامات سفارت امریکای گفتگو بپردازند.

شرح کوتاهی راجع به کنفرانس وین و ماده واحده

کنفرانس وین برای روشن ساختن وضع خدمت ماموران دولتی در کشورهای دیگر تنظیم شده است و امتیازاتی که هردولت بموجب آن بماموران اعزامی از سوی سایر کشورها میدهد؛ متقابل میباشد. یعنی همان مزایا را عیناً" در مورد ماموران اعزامی خود از سایر کشورها دریافت میدارد.

بطور مثال هم اکنون دولت جمهوری اسلامی ایران با حدود ۸۰ کشور جهان روابط سیاسی دارد. باین معنی که در حال حاضر ایران در این ۸۰ کشور دارای سفارتخانه است و هزاران نفر ایرانی بعنوان دیپلمات و مامور سیاسی (با گذرنامه سیاسی) و یا بعنوان کارمند اداری و فنی (با گذرنامه خدمت) در سایر کشورها به خدمت اشتغال دارند و از مصونیتها و مزایای مندرج در کنوانسیون وین استفاده مینمایند؛ و متقابلاً" به همان تعداد سفارتخانه از کشورهای بیگانه در تهران وجود دارد و هزاران نفر خارجی با استفاده از همان مزایا و مصونیتها مشغول خدمت میباشند.

حال اگر بتوان مزایا و مصونیت‌های اعطائی به «کارمندان اداری و فنی» را «کاپیتولاسیون» نام نهاد؛ در این صورت باید گفت که مزایا و مصونیت‌های اعطائی به دیپلمات‌ها و ماموران سیاسی ایران در ۸۰ کشور جهان؛ تمام این کشورها را بصورت مستعمره ایران در آورده است!! زیرا که مصونیت‌ها و مزایای دیپلمات‌ها و ماموران سیاسی ایران در سایر کشورها بمراتب بیش از «کارمندان اداری و فنی» است.

معمولاً هر یک از این سفارتخانه‌ها (جز در موارد استثنائی) توسط یک نفر با عنوان «سفیر» اداره می‌شود که نماینده رسمی دولت متبوع خود تلقی می‌گردد. کارکنان هر سفارتخانه که تابعیت دولت خود را دارند و تعدادشان گاهی به دهها و حتی به صدها نفر می‌رسد؛ مشمول مقررات مندرج در کنوانسیون وین می‌باشند.

این کنوانسیون را نماینده ایران در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰) امضا کرده؛ و در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ مطابق با (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳) در مجلس شورای ملی مورد تصویب نهائی قرار گرفته و به دولت ابلاغ شده است.

بموجب این قرارداد و کنوانسیون مزبور؛ بطور کلی اعزام افرادی از سوی دولت متبوعشان بمدتی کوتاه و یا طولانی برای خدمت در کشور دیگر برای حفظ منافع و توسعه روابط کشورشان در زمینه‌های سیاسی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ نظامی و از این قبیل؛ با کشور محل خدمت؛ «ماموریت» نامیده می‌شود.

در آن کنوانسیون؛ از «سفیر» بعنوان «رئیس ماموریت» نام برده شده و سایر «کارکنان ماموریت» بطور کلی به سه گروه تقسیم شده اند که عبارتند از:

۱- کارمندان سیاسی ۲- کارمندان اداری و فنی ۳- خدمه ماموریت گروه اول؛ رئیس ماموریت یعنی سفیر نیز در زمره آنان است؛ دیپلمات شناخته می‌شوند و دارای گذرنامه سیاسی هستند که از مصونیت‌های سیاسی و امتیازات و مزایای قابل توجهی برخوردار می‌باشند. ولی اعضای گروه دوم (کارمندان اداری و فنی) است که مستشاران نظامی آمریکا در زمره آنان محسوب شده بودند.

اعضای گروه سوم (خدمه ماموریت) که غیر سیاسی بشمار می‌روند و گذرنامه خدمت در اختیار دارند؛ دارای امتیازات و مزایای کمتری هستند؛ که معمولاً به صورت متقابل تعیین می‌گردد.

بطور مثال؛ در همان قانون ماده واحده جنرال برانگیز مورد بحث که (ذیلاً درج شده است) خواهیم دید؛ مستشاران نظامی آمریکا از مصونیت‌ها و معافیت‌های مربوط به «کارمندان اداری و فنی» برخوردار شده اند و در همان زمان نیز یک نفر ماشین نویس که از طرف دولت ایران در سفارت ایران در واشنگتن به خدمت اشتغال داشته است؛ خود به خود جزو «کارمندان اداری و فنی» محسوب می‌شده و عیناً بطور متقابل از همان مصونیت‌ها و معافیت‌ها برخوردار بوده است. و هر یک از این دو نفر یعنی (مستشاران نظامی آمریکا در ایران و ماشین نویس ایرانی در سفارت ایران در آمریکا) در صورت ارتکاب جنایت در کشور محل ماموریت خود؛ در همان کشور قابل بازداشت و محاکمه و مجازات بوده اند.

با این ترتیب هیچ‌گونه امتیاز کاپیتولاسیونی نه از طرف دولت ایران به آمریکا؛ و نه از طرف دولت آمریکا به ایران داده نشده بود.

متن قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا از مصونیت‌ها و معافیت‌های مندرج در کنوانسیون وین

ماده واحده زیر که ابتدا در تاریخ ۲۶ جولای ۱۹۶۴ (۳ مرداد ماه ۱۳۴۳) در مجلس سنا و سپس در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳) در مجلس شورای ملی تصویب گردیده و متعاقباً پس از توشیح پادشاه جهت اجرا به دولت ابلاغ شده بود؛ همان قانونی است که توسط مخالفان؛ به نام «کاپیتولاسیون» موسوم گردید و از آن ناجوانمردانه برای حمله به محمدرضا شاه پهلوی و مخالفت با وی مورد استفاده قرار گرفت:

ماده واحده- به دولت اجازه داده میشود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران؛ که بموجب موافقتنامه های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی میباشدند؛ از مصونیتها و معافیتها که شامل «کارمندان اداری و فنی» موضوع بند (و) ماده اول قرارداد وین که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردینماه ۱۳۴۰) به امضاء رسیده؛ برخوردار نماید.

شرح ماده واحده مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهرماه ۱۳۴۳)

بطوریکه گفته شد در متن ماده واحده نیز به روشنی ملاحظه میشود؛ رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا؛ فقط از مصونیتها و معافیتها «کارمندان اداری و فنی» موضوع بند (و) ماده اول قرارداد وین برخوردار شده اند.

متن ماده اول و بند (و) قرارداد وین؛ که اصطلاحات مندرج در آنرا تعریف کرده است؛ بشرح زیر میباشد:

ماده اول- در این قرارداد معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پایین تصریح شده است:

الف- اصطلاح (رئیس ماموریت) یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مامور انجام وظیفه در این سمت میشود.

ب - اصطلاح (اعضاء ماموریت) یعنی رئیس ماموریت و کارمندان ماموریت.

ج - اصطلاح (کارمندان ماموریت) یعنی (کارمندان سیاسی) (کارمندان اداری و فنی) و (خدمه ماموریت).

د - اصطلاح (مامور سیاسی) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که

دارای سمت سیاسی (دیپلمات) میباشدند.

هـ اصطلاح (کارمندان سیاسی) یعنی رئیس ماموریت یا یکی از کارمندان سیاسی ماموریت.

و- اصطلاح (ماموران اداری و فنی) یعنی آن دسته از (کارمندان ماموریت) که به امور اداری و فنی ماموریت؛ اشتغال دارند.

ز- اصطلاح (خدمه) یعنی آن دسته از کارکنان ماموریت که به امور خاکی ماموریت اشتغال دارند.

ح - اصطلاح (خدمتکار شخصی) یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای ماموریت بوده؛ و مستخدم کشور فرستنده نمیشوند.

ط - اصطلاح (اماکن ماموریت) یعنی ابنیه و یا قسمتهای از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد؛ برای انجام مقاصد ماموریت از جمله برای محل اقامت (رئیس ماموریت) مورد استفاده قرار میگیرد.

میزان مزایا و مصونیتهای مربوط به کارمندان اداری و فنی

حال که از متن بند (و) ماده اول قرارداد وین و مشخصات «کارمندان اداری و فنی» که مستشاران نظامی آمریکا در ردیف آنان قرار گرفته اند؛ آگاهی یافتیم؛ باید ببینیم که این کارمندان بموجب قرارداد مذکور دارای چه معافیتها و مصونیتها میباشند.

تعیین میزان این معافیتها و مصونیتها مربوط به «کارمندان اداری و فنی» در کنوانسیون وین به این نحو صورت گرفته است که در بند ۲ از ماده سی و هفتم تقریباً "تمام مزایا و مصونیتهای متعلق به «ماموران سیاسی» برای آنان نیز پیش بینی شده است.

به شرح زیر ملاحظه شود:

بند ۲ از ماده سی و هفتم- پیشنهاد برقراری مزایا برای کارمندان اداری و فنی.
ماده سی و هفتم - کارمندان اداری و فنی ماموریت؛ و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده؛ و یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره مند خواهند بود. ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد.

اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند الف ماده ۳۶ در موارد اشیا که برای منزل خود وارد میکنند؛ استفاده خواهند نمود.

و اما چون اعطای تمام امتیازات و مصونیت‌های سیاسی به «کارمندان اداری و فنی» امری غیرمنطقی به نظر می‌رسیده است؛ لذا در حال حاضر اکثر کشورهای مابوجود بند یک از ماده ۳۲ کنوانسیون؛ که بشرح زیر به دولت‌های فرستنده مامور؛ اختیار انصراف از آن مزایا و مصونیت‌ها راداده است؛ بطور متقابل انصراف خود را از حق مصونیت قضائی در امور جزائی در مورد «کارمندان اداری و فنی» اعلام داشته اند. و سفارت آمریکا نیز بنمایندگی از طرف دولت آنکشور؛ همین انصراف را تصریحاً در مورد مستشاران نظامی امریکائی اعلام کرده بود.

ماده سی و دوم - دولت فرستنده میتواند انصراف خود را از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصیکه بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردار میشوند؛ اعلام نماید.

متن اعلام انصراف سفارت آمریکا از مصونیت قضائی در مورد جنایات ارتكابی توسط مستشاران نظامی آمریکا

متعاقب تصویب ماده واحده قانون اعطای مصونیتها و مزایای مربوط به «کارمندان اداری و فنی» مندرج در بند (و) ماده اول کنوانسیون وین به مستشاران نظامی آمریکا؛ وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذرماه ۱۳۴۳) طی دو فقره یادداشت به شماره های ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ مراتب راباطلاع سفارت آمریکادر تهران رسانده است.

سفارت آمریکادر پاسخ این دو یادداشت؛ طی نامه ایکه عیناً بشرح زیر درج میگردد؛ صریحاً و رسماً اعلام داشته است که:

مقامات دولت آمریکا از هر نوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی و صرف نظر از مصونیت سیاسی در موارد دارای اهمیت ویژه با علاقمندی کامل استقبال خواهند نمود.

متن نامه سفارت آمریکا - شماره ۲۸۲ تهران ۹ دسامبر ۱۹۶۴

سفارت آمریکادر تهران؛ تشکرات و ارادت صمیمانه خود را تقدیم وزارت امور خارجه پادشاهی ایران مینماید و احتراماً دریافت یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و شماره ۹۷۶۲ هر دو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ آن وزارتخانه؛ و در پاسخ به یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ این سفارتخانه راباطلاع میرساند و تائید مینماید که یادداشتهای مذکور در فوق آن وزارتخانه در عین حال از سوی ما؛ در حکم پاسخی مطلوب و پذیرفتنی به یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ میلادی این سفارتخانه محسوب میشود.

در خصوص این تبادل یادداشتهایم آهنگ با او بر اساس شرایط مندرج در ماده ۳۲ «پیمان نامه وین»؛ این سفارتخانه خوشوقت است با اطلاع برساند که مقامات دولت آمریکا از هر نوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی و صرف نظر از مصونیت سیاسی در موارد دارای اهمیت ویژه از نظر مقامات دولت پادشاهی ایران؛ با علاقمندی کامل استقبال خواهند نمود؛ و تائید میشود که موارد دارای اهمیت ویژه در این خصوص؛ موارد مربوط به جنایات مشخص و واقعاً سزاوار سرزنش خواهند بود و لا غیر.

سفارت آمریکا در تهران از فرصت استفاده نموده؛ یکبار دیگر عالیترین مراتب احترامات و ارادتهای خود را تقدیم آن وزارتخانه مینماید.

سفارت آمریکا در تهران

(اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول - دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی جلد دوم صفحه ۳۰۸)

مخالفتان شاه فقید ایران و مفسران ناجوانمردانه فقط بند (۲) از ماده (۳۷) در مورد اعطای تمام مزایا و مصونیت‌های پیشنهادی در مورد «کارمندان اداری و فنی» رابعنوان مزایای قطعی آنان ذکر کرده اند؛ اما از اینکه دولت‌های آمریکا و ایران با استناد؛ اختیار حاصله از (بند ۱) از ماده (۳۲)؛ عملاً؛ و بطور متقابل از اعطای این مزایا به «کارمندان اداری و فنی» یکدیگر خودداری کرده اند؛ اصلاً هیچ سخنی بمیان نیاورده اند.

این مغرضان و دشمنان ایران و ایرانی؛ حتی یادداشت رسمی سفارت آمریکا که در مورد همان مستشاران آمریکایی؛ صادر شده که طی آن از مصونیت‌های قضایی در مورد اقدامات جنائی آنان صرف نظر شده است؛ ندیده گرفته اند.

همانطوریکه در ابتدا گفته شد در روز ۴ آبانماه ۱۳۴۳؛ روز تولد پادشاه فقید ایران که (تصادفاً در آن سال با ۲۰ جمادی الثانی) یعنی روز تولد حضرت فاطمه و روز تولد مورد ادعای بعدی روح الله خمینی بوده است؛ سخنرانی بسیار شدیدی در قم؛ در مخالفت با ماده واحد مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهرماه ۱۳۴۳)؛ راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران ایراد کرد؛ و باین بهانه که شاه و دولت؛ باتصویب قانون مزبور خیانتی عظیم مرتکب شده و مقررات «کاپیتولاسیون» را در ایران احیاء کرده اند؛ به تحریک مردم پرداخت.

سخنرانی طولانی روح الله خمینی با این حملات شروع شده بود:

انا لله وانا اليه راجعون- من تاثرات خودم را نمیتوانم اتکار کنم. قلب من در فشار است. این چند روز که مسائل ایران را شنیدم؛ خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است. با تاثرات قلبی روز شماری میکنم که چه وقت مرگ من پیش میاید. ایران دیگر عید ندارد عید ایران را عزاکردند. عزاکردند و چراغانی کردند.

عزاکردند و دسته جمعی رقصیدند. پایکوبی کردند...

علاوه بر این سخنرانی طولانی که در نوار کاست ضبط؛ و به تعداد زیاد از طریق (مومنین و مومنان!) در سرتاسر ایران پخش گردید؛ و اعلامیه مفصلی نیز با مضای روح الله خمینی بهمان طریق در همه جا انتشار یافت که با این جملات آغاز شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا" آیا ملت ایران میدانند در این روزها در مجلس چه گذشت؟

میدانند بدون اطلاع ملت و بطور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟

مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟

اقرار به مستعمره بودن ایران نمود. سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد. قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما.

روح الله خمینی ۹ روز بعد از این سخنرانی؛ در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۶۴ (۱۳ آبانماه ۱۳۴۳) بازداشت؛ و متعاقباً "به ترکیه تبعید گردید.

از این تاریخ به بعد تمام افرادی که با پادشاه فقید ایران مخالف بودند؛ دانسته؛ و ناجوانمردانه و کثیری ندانسته قانون مربوط به آنرا؛ به غلط «کاپیتولاسیون» نام نهاده و همواره از آن بعنوان یکی از خیانت‌های بزرگ شاه فقید یاد کرده اند.

بخشی از: کتاب گفته نشده هادرباره خمینی؛ نگارش مهدی شمشیری

تهیه و تنظیم:

ح.ک